

اتحادیه امت اسلامی (طرحی در پی آمد و ساختار جهانشمولی اسلام)

اتحادیه امت اسلامی (طرحی در پی آمد و ساختار جهانشمولی اسلام)

پروفسور حمید مولانا ([1])

بسم الله الرحمن الرحيم

حمله و تهاجم آمریکا و انگلیس به عراق و تصرف و اشغال این کشور اسلامی بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل متحد و مخالفت و اعتراضات شدیدی که از طرف دول مختلف و اکثریت قریب به اتفاق افکار عمومی دنیا در این مورد به عمل آمد، نشان داد که پدیده به اصطلاح جهانی سازی و جهانی شدن نظام بین المللی امروزی اسطوره ای بیش نیست. آنچه مشاهده می شود و تجربیات دهه اخیر ثابت کرده است، جریان ناآرام جهانی کردن قدرت و ثروت و ارزشها است که دگرگونی دنیای امروزی را با نوع سلطه گرایی در قرن گذشته متمایز می سازد. جنگ يك جانبه آمریکا و انگلیس در عراق همچنین نشانه و شاخص جریان دیگری است که مدتها است در دنیای اسلام و در تاریخ معاصر ملاحظه می شود و این جریان دوشاخه متفاوت دربردارد: یکی بیداری و بسیج مسلمانان و امت اسلامی در جستجوی يك الگوی وحدت گرا و رهایی بخش، و دیگری پراکندگی و شکاف و تفرقه در بین دولتهای ممالك اسلامی.

در بسیاری از کشورهای اسلامی فاصله بین امت اسلامی (مردم و جامعه) و دولتهای حاکم بر ممالک و سرزمین های اسلامی در حال افزایش است. بطور خلاصه روابط و ارتباطات جهانی و جهانشمولی حاصله از آن در چارچوب نظام تکنولوژی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جهان امروز به معنای روابط و ارتباطات همگانی و عالمی نیست.

موضوع مهم و دومی را که ما باید با دقت مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم پدیده نوآوری اسلام در یک ربع قرن اخیر بویژه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا امروز بوده است. این پدیده نیز دو بعد اصلی دارد: یکی مقاومت و مبارزه امت اسلامی علیه تجدد و نوگرایی سلطه جویانه غرب و دیگری کوشش و جهد برای یک نظام اسلامی فراسوی نظام "ملت - دولت" کنونی است. به عبارت دیگر اسلام و انقلاب اسلامی تنها اردوگاه مهم و مؤثر علیه سلطه گرایی و تجددگرایی غرب گردیده و اسلام گرایان و امت اسلامی تنها جامعه و گروهی هستند که به طور جدی خواستار یک نظام فرامرزی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی می باشند.

موضوع سوم در این مقوله و بحث ماهیت خود جهانشمولی اسلام می باشد. بیش از هر الگو و پارادایم موجود در تاریخ پارادایم و الگوی اسلام با جهانشمولی آمیخته و بر مبنای جهانشمولی پایه ریزی شده است. چهارده قرن قبل، ادوار طولانی پیش از اینکه اصطلاح امروزی جهانی سازی و جهانی شدن و جهانی کردن متداول و مد روز شود، اسلام برای اولین بار در تاریخ نه تنها چارچوب و نظریات و بنیاد جامع جهانشمولی را به جامعه بشری عرضه نمود بلکه در مدت بسیار کوتاهی توانست این جهانشمولی را بر مبنای عقیدتی و ایمان را در بستر و عرصه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی و فرهنگی پیاده کند. دستورات اسلام جهانشمول است: "وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ" یعنی "ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم" (آیه 107 سوره انبیاء).

انقلاب اسلامی ایران دو پدیده مهم قرن بیستم، یکی بنیاد و ساختار نظام "ملت - دولت" و دیگری مدرنیته یا تجدد و نوگرایی غربی را زیر سؤال برد و یک دید جهانی سازی و جهانی شدن اسلامی را که فراسوی مرزهای سیاسی، نژادی، ملی و قومی باشد، تقویت و در دستور روز قرار داد. یکی از منابع بزرگ

اقتدار در روابط بین الملل تعیین دستور روز است. هر گروهی، هر فردی و هر ملتی که بتواند دستور روز را تعیین کند، او در دنیا اولویت پیدا می کند. امروز علیرغم مشکلات و سدهای بزرگی که جهت جلوگیری از توسعه انقلاب اسلامی ایران در جهان ایجاد کردند، اسلام در دستور قرن بیست و یکم قرار گرفته، ولی در عین حال الگوی غالب مدرنیته در جلد و نقاب "جهانی سازی" و "جهانی شدن" احیاء گردیده و ممالکی مانند ایران تنها سنگر مقاومت علیه نظام جهانی شده اند. مسلمانان در سراسر دنیا به مقاومت و مبارزه خود، همانگونه که در فلسطین اشغالی و در سایر نقاط در این چند دهه مشاهده کرده ایم، ادامه می دهند ولی متأسفانه آنها فاقد یک سیستم حکومتی و دولتی اسلامی هستند. این خود یک سؤال بزرگی را مطرح می کند: آیا دنیای امت اسلامی در مقابل جریان جهانشمولی اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژی امروزی که ادامه سلطه گرایی گذشته است سکوت اختیار کرده و بی تفاوت خواهد ماند و در نتیجه بیش از پیش در نظام جهانی استکباری امروز ادغام خواهد شد و یا اینکه با اتحاد و وحدت و واقع شناسی بجای واکنش و انعکاسهای آنی و پروژه های پراکنده و متفرقه و تزئینی که این روزها اغلب از طرف برخی از دولتها و گروههای ممالک اسلامی دیده می شود، مأموریت تاریخی خود را انجام داده و با درایت کاملی مدلولات فکری و عملی خود را در چارچوب جهانشمولی اسلام به دنیا ارائه خواهد کرد.

طرح تشکیل اتحادیه امت اسلامی، موضوع چهارم گفتار و بحث ما، قدمی است در مسیر و در پی آمد و ساختار جهانشمولی اسلام و در تشکیل یک نظام جهانی جدید فراسوی نظام کنونی ملت – دولت و سفسطه های جهانی سازی آن.

اتحادیه امت اسلامی به عنوان یک واحد جهانی رهایی بخش و وحدت گرا متشکل از جامعه و حکومت اسلامی است. مفهوم امت ثقل و مرکزیت این اتحادیه را تشکیل می دهد و در حقیقت چارچوب جامعه شناسی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تکنولوژی و نظامی جهانشمولی و نظام اسلامی می باشد. مفهوم امت در اینجا متصل به مفهوم جامعه یا مترادف آن در معرفت شناسی و انسان شناسی و جامعه شناسی غرب نیست. مفهوم امت ابعاد مردم، اجتماع، جامعه، دولت و اقتصاد را در بردارد بنابراین اتحادیه امت اسلامی واحد حکومتی، دولتی، مردم سالاری و بالاتر از هم مکتبی و خداشناسی و ایدئولوژی مسلمانان می باشد. اتحادیه امت اسلامی نه شبیه "اتحادیه اروپا" و نه چیزی مانند "ایالات متحده آمریکا" است و بنابراین با چنین عنوانهایی مانند "اتحادیه کشورهای اسلامی"، "جماهیر کشورهای اسلامی" و با سازمانهایی مانند "سازمان

فلسفه و اندیشه سياسي غرب همیشه "جامعه" و "دولت" را از یکدیگر جدا نگاهداشته است.

قرنها است که فلسفه هاي سياسي و اجتماعي غرب به دو موضوع جدا ولي مربوط به یکدیگر تکیه کرده اند: جامعه و دولت. جامعه اي زایل شد و جامعه دیگر پدید آمد. دولتهاي رفتند و دولتهاي دیگری قدم به عرصه وجود گذاشتند. همانطوریکه بارها ذکر کرده ام، اگر جامعه يا تحقيق در مورد جامعه، جوهر فلسفه اجتماعي غرب بوده، درگیری جوامع و رویارویی اجتماعي و ضد اجتماعي نیز روی دیگر همان سکه بوده است.

مفهوم جامعه مدني يك پدیده غرب است و تلاش دیگری است براي جستجوي جامعه اي که در آن حقوق دولت و افراد به روشني از یکدیگر متمایز شود. چنین شکافي بین مردم و دولت، بین جامعه و حکومت در جهانشمولي اسلام و مفهوم امت وجود ندارد. از دوران قرون وسطی در غرب، بویژه از دوران "سن بندیک" و نوشته هاي "سرتوماس مورتا"، کارهاي متفکرین سياسي و اجتماعي در قرون هیجدهم و نوزدهم نظیر "پروودون"، "مارکس"، "دوتوکویل" و دیگران موضوع جامعه مؤید ارتباط بین انسان و دنيای فیزیکی، رابطه گروهها و پدیده هاي طبیعی بوده است. این موضوع به ابعاد تکنولوژی، سياسي، دیوان سالاری (بوروکراسی) و حتی زیست شناسی و محیط شناسی (اکولوژی) جامعه مي پرداخت و بر نظام چند حزبي متمرکز بود ولي همیشه در مهمن همبستگی وجوه متفاوت فعالیتهاي انساني به عنوان يك واحد، ناموفق بود.

امور نظامي، سياسي، اقتصادي، دیوان سالاری و فکري، همگی از یکدیگر مجزا گردیدند. تأکید بر یکی تعیین کننده منازعه اجتماعي و جامعه اي به ارث رسیده در دیگری بود. جوامع بر تأکید بر پدیده هاي واحد نظیر دین يا سیاست شناخته شده و يا نامگذاری مي شدند. مثلا موضوع جامعه ديني در غرب تا چه

اندازه اي عكس العمل به عدم كفايت جامعه سياسي بود كه ما در كارها و آثار متفكرين و نظريه پردازاني نظير اگوستين، آكوئینس، لوتر، كالوين و كگارد شاهد آن هستيم.

اتحاديه امت اسلامي بالطبع بايد از پايين يعني از ردیف مردم و اجتماع و رهبران اسلامي شروع گردد و بُعد و بسیج جهاني بخود بگيرد و سپس "دولتهاي اسلامي" را شامل شود زیرا قریب به اتفاق دول كنوني ممالك اسلامي بر پایه الكوي "ملت - دولت" غرب بنا شده و با خاصیت سکولار (غیر دینی) یا نیمه سکولار و غیر مردمی و انحصاری خود هرگونه پیوستگی و اتحادیه وحدت را از روزه منافع ملی و طایفه ای و قومی و از دیدگاه فلسفه سياسي مسلط امروز غرب و نظام سیستم حاکم بر جهان آن می نگرند. بحران مشروعیت سياسي در ممالك و دنيای اسلام در عصر حاضر در تغییر و تحولات وارده به "الكوي ملت - دولت" یا "دولت ملی" نیست بلکه در اصل وجود و تعارض با چنین نظام سياسي می باشد، به طور خلاصه، از نظر ما نظام "ملت - دولت" با فرهنگ سياسي و جهانشمولي اسلامي متناقض بوده و این مبنا و علت اصلي بحران مشروعیت سياسي و حکومتي در سرزمین هاي اسلامي می باشد.

در جهان امروز دیگر نمی توان تلقی کلاسیک از روابط بین الملل، یعنی روابط متقابل بین دولتها و زبندگان سیاستگذار را به عنوان تنها بُعد مطالعات سياسي و اقتصادي در نظر گرفت. چیزی که در این دوره به ظاهر کنشهای بین المللي و جهاني به همان اندازه مهم است ناتواني کشورهاي به اصطلاح در حال توسعه از جمله ممالك اسلامي در اثرگذاري بر روند پیشرفتهای كنوني جهان در يك حد قابل اعتنا می باشد. مفهوم متداول امروز جهانشمولي بودن با مفهوم همگانی یکی نیست. آشنایی با دو نگرش متضاد در عرصه بین الملل که ظهور جدید ملی گرایی و قوم گرایی را در برابر جنبش همه شمول قرار داده است، ضروري است. از طرفي حرکت به سمت منطقه گرایی که در وهله اول در يك چارچوب اقتصادي، که منعکس کننده تکنولوژیها و فرآیندهای توليدي در حال ظهور باشد، بروز کرده است. کمرنگ شدن حاکمیت ملی، افول نظام قدرتي "ملت - دولت" موجودیتهای نوین دولتهاي حاشیه ای یا ناحیه ای ابعاد مهم این پدیده می باشد.

اتحادیه امت اسلامی پیشنهاد شده در اینجا امت اسلامی واحدی است وحدت گرا از مجموع ممالك متحده اسلامی. اتحادیه امت اسلامی امت متحده اسلام است که نظام "ملت - دولت" را پشت سر گذاشته و از آن عبور کرده است. مفهوم امت در طرح پیشنهادی اتحاد امت اسلامی به صورت جامع و گسترده یی به کار رفته است و شامل تمام جوانب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حکومتی می شود. مقصود ما از امت بررسی آن در مقطع جامعه - حکومت است و نه توغل در امور فردی و گروهی و یا سطوح اختصاصی و باریک جامعه شناسی و علوم سیاسی و اقتصاد آن. با وضع کنونی دول ممالك اسلامی و وابستگی های موجود در نظام کنونی جهانی، نباید انتظار داشت که فکر و پیشنهاد تشکیل اتحادیه امت اسلامی به معنای یک نظام مستقل و واحد مورد استقبال همه یا حتی اکثر دول کنونی حاکم بر سرزمین های اسلامی قرار گیرد زیرا ابداع و تأسیس چنین اتحادیه ای منافع شخصی و گروهی نخبگان حاکم را به خطر انداخته و پایه های موجود قدرت را به چالش طلبیده و تهدید خواهد نمود. ولی رشد و نمو چنین نهضتی از طریق آگاهی، بسیج و تشکل بیش از یک میلیارد و نیم مسلمان دنیا که فراسوی مرزها را در برگرفته و یک حرکت جهانی گردد امکان پذیر و در حقیقت ضروری است. در وضع کنونی جنبش و نهضت های اسلامی اغلب در سطح ملی و مملکتی بوده و فاقد یک رهبری و رهنمود بین المللی و جهانی می باشد. در شرایط کنونی تنها جنبش های مردمی در سطح امتی است که باعث جابجایی قدرت و تغییر و اصلاح در سطح بالا و حکمرانان و دولتها خواهد بود و نه برعکس زیرا تجربه جوامع اسلامی در چند قرن اخیر بخوبی نشان می دهد که هسته های قدرت و احساسات آن در حوزه جوامع اسلامی نهفته است و رهبران مدبر و موفق و با ایمان به جهانشمولی اسلامی از میان مردم برخاسته اند. نهضت های پیروزمندانه اسلامی قرن اخیر بویژه انقلاب اسلامی ایران بهترین نمونه این جریان بوده و انتقال قدرت در سطح جهانی می تواند از تجربیات چند دهه اخیر بهره مند شود.

اتحادیه امت اسلامی برعکس "اتحادیه اروپا" و سایر اتحادیه ها مشابه ملی و منطقه ای و جهانی نمی تواند از آغاز با اتحادیه های گمرکی، مالی و اقتصادی و حتی سیاسی دولتی صورت عمل به خود بگیرد، زیرا پایه جهانشمولی اسلام و استوار بودن آن در سطح بین المللی با ارزشها و اخلاق اسلامی باید هماهنگ و هموار باشد. الگوی جهانشمولی اسلامی امت با الگوی سرمایه داری امپریالیسم و نئولیبرالیسم و سکولار امروزی منافات داشته و در دو قطب مخالف قرار دارند، بحران و کشمکش موقعی بوجود می آید که یک الگو می خواهد خود را بر الگوی دیگری تحمیل کند. سلطه گرایی در چارچوب الگوی امت اسلامی ممنوع است. بحران امروز جهانی و در حقیقت بحران امروزی در غرب این است که جهانشمولی مورد حمایت غرب می خواهد ارزشها و اخلاق خود را بر جوامع اسلامی و دیگران تحمیل کند. علاوه بر این چنین جهانشمولی پایه های مادی و اقتصادی و تکنولوژی داشته و فاقد یک تئوری و نظریه پرداز سیاسی و اجتماعی است و

همانطوري که تجربيات و آمار چند دهه اخير نشان مي دهد اينگونه جهاني سازي و جهاني شدن از بالا به پايين تحميل شده و تراوش پيدا مي کند.

ضرورت بازنگري و تغييرات حاصله در سيستم بين المللي و جهان امروزي را بايد با ذکر تلويحي در توصيف شرايط و با توجه به پديدار شدن شاخص هاي جديد و اهميت روزافزون عوامل فرهنگي و معنوي و ديني، و افول اقتدار حکومتي و سرانجام تغيير در مقوله ها و شيوه هاي نظري بکار رفته، بررسي و مطالعه نمود:

منظور از جهانشمولي چيست؟ عملکرد آن چگونه است؟ چه کسي يا چه چيزي آنرا هدايت مي کند؟ اخلاقيات جديد موجود در اين نوع ساختارها چيست؟ منافع چه کساني از اين طريق تأمين مي گردد؟ اگر گروههاي انساني از مرحله جهاني شدن به دور هستند، پس علائم جهاني شدن و جهانشمولي اسلامي چه بايد باشد؟ اگر جهان بسوي يك قطبي شدن قدرت پيش مي رود، آن قطب قدرت چه مي تواند و چه بايد باشد؟ محورهاي حرکت و اقدام در تشکيل و تأسيس اتحاديه امت اسلامي که مليت ها و فرهنگها و تنوعات محلي و منطقه اي را در برداشته باشد، چيست؟

مدلوات چند قرن اخير غرب بر اين اصل تکیه نموده که "صلح" و "دموکراسي" در سطح ملي و بين المللي "با توسعه اقتصادي"، با "اتحاديه ها" و "بازارهاي آزاد" سرمايه داري بوجود آورده مي شود و ارزشهاي سکولاريسم نجات دهنده بشريت مي باشد. تجربيات جنگهاي جهاني اول و دوم، جنگ سرد، فروپاشي شوروي، ظهور قوم گرایی در اروپا و ملي گرایی در آمريکا، اختلاف سياسي و فرهنگي در اتحاديه اروپا و جنگهاي منطقه اي از کره و ويتنام گرفته تا جنگ خليج فارس و حمله اخير به عراق اين نظريه را بيش از هر موقع بي اعتبار کرده است. امروز تحليل گران غربي که از جريان جهانشمولي امروزي حمايت مي کنند معمولاً طرحي از چگونگي بودن تغييرات در دوران مدرن و باصطلاح "پسامدرن" عرضه مي دارند. به رغم آنها يکي از نتايج اوليه مدرن بودن همانا جهانشمولي است. اين چيزي است بيشتر از انتشار نهادهاي غربي در پهنه گيتي که منجر به تخریب ديگر فرهنگها مي شود. جهانشمول سازي فرآيندي است ناهموار که

هم پیوند می‌زند و هم تلاشی می‌سازد. اشکال جدیدی از وابستگی متقابل می‌آفریند که در آن خبری از "دیگران" نیست. استدلال این نظریه‌پردازان ماهیتاً تناقض‌آمیز است. اگر جهان‌شمولی ساری اساس مدرن بودن است و اگر جهان‌شمول کردن فرهنگ غربی دنیای مستقلی بوجود می‌آورد که در آن کسان دیگری وجود ندارند، پس چگونه است که فرهنگ‌های غیر غربی در ایجاد شرایط مدرن سهمی ایفا می‌کنند؟ بعلاوه اگر به زعم این تحلیل‌گران غرب، مدرن بودن "ذاتاً" آینده‌نگر است و "پیش‌بینی آینده به عنوان جزئی از حال عمل می‌کند و نتیجتاً منعکس‌کننده نحوه پیشرفت آینده است"، پس آینده به نحو مؤثری به مالکیت مطلق در آمده است. مدرن بودن نه تنها تسلط قطعی غرب بر زمان حاضر را تضمین می‌کند، بلکه به همین ترتیب بر آینده نیز چنگ می‌اندازد.

امروز انحصار و مونوپولی نخبگان غرب بر دانش و علم و سیاست و اقتصاد شکسته شده است. آنچه دنیا و جهان امروز را با قرون نوزدهم و حتی اوایل قرن بیستم فرق می‌دهد، وجود قدرتهای علمی و فکری و بیداری توده‌های مردم فراسوی قاره‌های اروپا و آمریکا می‌باشد. اگر نوگرایی و جهان‌شمولی با ایجاد "فضاهای آزاد" در جوامع صورت می‌گیرد و اگر به حکایت غرب رشد دموکراسی و جامعه مدنی با رشد این فضای باز رابطه مستقیم دارد، بنا براین باید تصدیق نمود که وجود فضای باز و متنوعی که نیم قرن اخیر بنا بر سنت اسلامی و با کمک تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطی بین مسلمانان جهان و در داخل و خارج ممالک اسلامی ایجاد شده است، شرایط کافی برای يك نهضتی که طرح تشکیل اتحادیه امت اسلامی را توسعه داده و جهان‌شمولی و مردم‌سالاری اسلامی را بوجود می‌آورد، آماده می‌باشد. پیشنهاد ایجاد اتحادیه امت اسلامی گرچه بر آگاهی و بسیج افکار عمومی مردم مسلمان جهان تکیه می‌کند ولی به هیچ وجه درباره نقشی که دولتمردان و حکومت‌های با اصالت اسلامی امروزی می‌توانند در سطح ملی و بین‌المللی و سازمان‌های جهانی ایفا کنند، غافل نیست.

وحدت اسلامی، مردم‌سالاری اسلامی، امت اسلامی، جهان‌شمولی اسلامی، آزادی و عدالت اجتماعی، حقوق و دیدگاه‌های اسلامی باید جایگزین گفتمان سیاست خارجی دولتهایی گردد که ادعای هویت اسلامی را دارند و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و دینی خود را گرامی می‌شمارند. نهضت اتحادیه امت اسلامی ممکن است در آغاز فقط از چند کشور اسلامی صورت عمل بخود گیرد ولی این چنین جنبش اگر با دقت و بصیرت رهبری گردد بتدریج وسعت پیدا کرده و با تغییر ساختارهای سیاسی و اقتصادی که در ردیف ملی و محلی بوجود خواهد

آمد، عضویت و شرکت سایر ممالک و دول اسلامی را دربر خواهد داشت.

دگرگونیها و تحولاتی که امروز در نتیجه افزایش جمعیت، توسعه تعلیم و تربیت، پیشرفت تکنولوژیها و تغییرات ارتباطات و اطلاعات در سطح انسانی و سازمانی صورت می گیرد، غیر قابل انکار می باشد. اگر مسلمانان و امت و دول اسلامی برنامه و نقشه معین برای مقابله با این تحولات نداشته باشند دیگران از آن به نفع خود استفاده کرده و همانند انقلاب صنعتی که چند قرن قبل صورت گرفت، اسیر کنترل و مقررات و اخلاق این جریان خواهند بود.

جهانی سازی امروز غرب بر خلاف گذشته تنها با تصرف اراضی و منابع و کار و ثروت سر و کار ندارد بلکه هدف اصلی آن تصرف و اشغال مغزها می باشد و بسیج و کنترل مسلمانان به عنوان مصرف کنندگان و دریافت کنندگان محصول و پیامهای جهانشمولی جزو دستور گردانندگان این جریان می باشد.

تناقضات در جریان جهانی سازی و جهانی شدن امروز فراوان است. بحران حاکمیت ملی در غرب نموداری از این تناقضات است. در حالیکه اتحادیه اروپا از همفکری جهانی اروپائیها و از وحدت اقتصادی و سیاسی اعضای خود صحبت می کند، آمریکا از حق حاکمیت ملی خود و دکترین حق شفعه (حق حمله و ضربت اولیه) سخن می راند. در تاریخ سیاسی و بین المللی غرب از حقوق و قوانین جهانی خبری نبود تا اینکه ژان بودین (1530-1596 میلادی) با رساله خود در مورد اصل حاکمیت و سپس هوگو گروتیوس (1583-1645 میلادی) هلندی سالهای بعد در نوشته های خود درباره روابط بین الملل شالوده حقوق بین المللی اروپا را ریخته و با خاتمه جنگهای سی ساله در 1648 میلادی و عهدنامه صلح وستفالی اصل حاکمیت ملی و چارچوب نظام ملت - دولت از طرف کشورهای اروپایی شناخته شد. حقوق و قوانین بین المللی امروزی در اصل بر عقاید این متفکران اروپایی بنا شده و از این جهت با ایده و تجربیات فرهنگ و تاریخ و مذاهب غرب آغشته می باشد.

در اینجا باید یادآوری کنیم که اولین و جامع ترین حقوق بین المللی برای نخستین بار در تاریخ بشریت از طرف اسلام و دقیقاً یکهزار سال قبل از حقوق و قوانین بین المللی اروپاییها به جهانیان ارائه شد. در حقوق و قوانین بین المللی اسلام اصل حاکمیت الهی مستقر است نه حاکمیت ملی، اصل منافع امتی در نظر است نه فقط منافع ملی، اصل امنیت بشری مورد توجه است نه امنیت داخلی و ملی به تنهایی، و اصل عدالت اجتماعی مبنای سیاست گذاری است نه اصل اقتصاد سیاسی و سودجویی. امروز اصول حاکمیت ملی و منافع ملی دیکته شده و تعریف شده از طرف قدرتهای بزرگ غربی است که بر سیستم های جهانی و ملی از جمله نظامهای موجود در ممالك اسلامی حکومت می کند و این در حالی است که خود مفهوم حاکمیت ملی بر اثر اقدامات بازیگران سیاست بین المللی زیر پا گذاشته شده است.

بسیاری از صاحب نظران درباره فرآیند جهانی سازی و جهانی شدن اظهارنظر کرده اند و برخی این فرآیند را محصول فرعی و گریزناپذیر تکامل و پیشرفت بشر خوانده اند. گویی این پدیده فرآیندی ارگانیك است که تحت حاکمیت قوانین طبیعی عمل می کند. اما دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که می گوید: جهانی سازی و جهانی شدن امروزی لزوماً پیشرفت طبیعی برآمده از سیر تعاملات و ارتباطات معمول بشر و فرهنگ های متنوع بشری در سراسر کره خاکی نیست، بلکه این پدیده فرآیندی است که از اراده بشر منتج شده است، اراده و انتخاب مجموعه ای از کشورهای قدرتمند، شرکتهای فراملیتی و سازمان های بین المللی که از ظهور چنین پدیده جهانی سازی و جهانی شدن نفع می برند. بنابراین جهانی شدن عصر حاضر پدیده پیچیده ایست که دو جریان و نیروی متعارض را در دل خود دارد: یکی توسعه اقتصادی عظیم و ابداعات فنی و دیگری نابرابری افزون تر، بحران اجتماعی - فرهنگی و بیگانگی فردی.

گفتمان جهانی سازی امروزی همانند گفتمان "توسعه ملی" دهه های پیشین يك تاریخ بسیار کوتاه دارد و از برخی جهات آفریده مصنوعی تبلیغات نظام حاکم بر جهان امروز می باشد. قرنهای وقتی که اجتماعات، ملل و تمدنها از طایفه گرایی، قوم گرایی، ملی گرایی و منطقه گرایی صحبت می کردند اسلام تنها مکتبی بود که از جهانشمولی و از جهانی سازی و جهانی شدن (اسلام) سخن به میان آورد.

جهانشمولي اسلامي از دو جهت بي نظير است: نخست اينكه جهانشمولي اسلامي از جنبه نظري، مكتبي و تئوريك زاييده يك جهان بيني دقيق و منظم و جامع الهي هست كه كه عدالت بر آن حكمفرما است. ديگر آنكه اسلام تنها مكتبي است كه به اين ديدگاه جهانشمولي در تاريخ جنبه عملي داد. ظهور و گسترش اسلام در تاريخ بشريت تأثير فوق العاده اي در جهاني شدن فرهنگ و اقتصاد و علوم و دانش داشت.

روابط تجاري و اقتصادي و مالي بين المللي در سطح محدود بين الملل از زمان تاريخ باستان و در قرون وسطي وجود داشته است ولي اولين سيستم جهاني اقتصاد و بازرگاني و مالي در تاريخ، توسط مسلمانان و در حدود قرون دوازدهم و سيزدهم ميلادي صورت گرفت. جاده ابريشم كه از چين تا کرانه هاي دريائي مدیترانه ادامه پيدا كرد در حقيقت يك نماد ملموس از اين سيستم اقتصادي جهاني بود. سيمد سال بعد در قرن شانزدهم بود كه براي اولين بار سيستم كاپيتاليسم و سرمايه داري به عنوان يك نظام جهاني جاگزين سيستم اسلامي گرديد.

جهانشمولي اسلامي بر پايه اخلاق اسلامي نهاده شده در حاليكه جهاني سازي امروزي غرب در انتظار پيدايش اخلاق ويژه جريان است، در اسلام جهانشمولي به معني عالمي بودن است در حاليكه در ليبراليسم جهانشمولي به معني جهاني كردن است و بالطبع با عالميت در تعارض مي باشد.

در دنياي باستان، قوانين آشوري ها، بابلي ها، يوناني ها، روسي ها همگي از عقايد و مكتب هاي بت پرستي سرچشمه مي گرفت و آرزو و آمال جهانشمولي آباء، شاهان و فراعنه آنها در خاك دفن گرديد. قانون نامه حمورابي (2081 قبل از ميلاد) كه الهام بخش تمدن سومري محسوب مي شد و قانون و ديوان سالاري نظامي روميها كه در قرون پاياني خود مسيحيت را شامل گرديد هيچگاه موفق نشدند مدلولات نظري و علمي خود را فراسوي جهانگشايي اداري تبیین کنند و بدین ترتیب افکار و ایده و نظريات و جهانشمولي آنها نیز با شکست و افول امپراطوري ها از بين رفت.

جهانشمولي اسلامي ابعاد مختلفي را حائز بود. جهاني شدن زبان عربي به عنوان زبان قرآني و اسلامي، بين المللي شدن فارسي و تركي و گسترش آن در آسيا و اروپا و آفريقاي شمالي و در مناطق اقيانوس هند و آسياي مركزي و مدیترانه و وسعت گيري و اشاعه زبان جديد "سواحيلي" در قاره آفريقا و پيدايش زبانهاي محلي در كشورهايي مثل نيجريه امروزي همه مرهون جهانشمولي اسلام و روابط فرهنگي، سياسي و اقتصادي دنياي اسلام در آميزش و تماس با جوامع و اجتماعات مختلف جغرافيايي و نژادي است. سيستم شماره اي و عددي و هندسي جهاني امروز اختراع و هديه مسلمانان در مسير جهانشمولي بود و پيشرفت و جهاني شدن علم و دانش از جبر و نجوم و پزشكي گرفته تا بازنگري بنیان شناخت شناسي، معرفت شناسي، جامعه شناسي، و جمعيت شناسي همه به مناسبت جهاني سازي اسلام صورت گرفت. حج يك نماد بزرگ از جهانشمولي اسلامي است كه در هيچ يك از مكتب هاي ديني و سياسي و اجتماعي وجود ندارد.

از جنبه جهانشمولي جريان حج بزرگترين واقعه ميان فرهنگي است كه بطور تداوم از زمان ظهور اسلام تا امروز در سطح جهاني صورت مي گيرد. حج تنها جريان ارتباطي ميان فردي و ميان فرهنگي امت است كه بر واسطه هاي سازماني، رسانه اي و ابزاري و تكنولوژي تكيه ندارد و اساس آن بر سه موضوع خلقت، وحدت و امت متكي مي باشد. حج تنها بسيج جهاني و مردمي است كه براي صلح و امنيت برپا مي شود. در تمام همایش ها و كنگره هاي جهاني افراد با نام شغل، تابعيت، مليت، نژاد، لباس، ثروت و قدرت شناخته مي شوند. در حاليكه در جهانشمولي اسلامي حج كه تنها يكي از فرائض مختلف اسلام است اين شاخص هاي هويت به دور ريخته شده است. حج كنگره ملل متحد است.

امروز قرآن پرتيراژترين و پرخواننده ترين كتاب موجود به زبان اصلي در تاريخ بشريت مي باشد. مسلمانان قرآن را به زبان اصلي آن (عربي) مي خوانند و قرائت مي كنند و نه ترجمه آن.

انجيل مسيحيت پرتيراژترين كتاب ترجمه شده است.

پرثروت ترين منابع طبيعي مانند نفت و گاز، مهمترين مراكز سوق الجيشي و استراتژيكي مانند كانال

سوئز، جبل الطارق، داردانل، تنگه هرمز، و پررشدترین جمعیت و مذاهب جهان متعلق به مسلمانان می باشد. مسلمانان بزرگترین گروه مهاجرین در اروپا (30 میلیون) و آمریکا (7 میلیون) را تشکیل می دهند و اسلام پس از مسیحیت بزرگترین پیروان را در قاره ها و مناطق جهان دارا می باشد. مهم تر از همه اینکه جهانی سازی امروزی غرب بدون شرکت یا ادغام دنیای اسلام غیر ممکن می باشد. و دقیقاً تحت این شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که دنیای اسلام و امت اسلامی بیش از هر موقع دیگر در طول تاریخ مورد توجه و در بسیاری موارد مورد حمله و تجاوز و تصرف بازیگران نظام جهانی قرار گرفته است.

اتحادیه امت اسلامی پاسخی است به این چالش ها و سؤالها. "اِنَّ هَذِهِ اُمَمٌ تَدْعُکُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَاَنْتَ رَءِیُّکُمْ فَاَتَقُوْنَ". این امت واحد شماست و من خدای شمایم پس از من تقوا پیشه کنید". (سوره مؤمنون، آیه 52).

* * *

علاقمندان به نظریات نگارنده درباره پدیده جهانشمولی و اسلام می توانند به کتب و مقالات ذیل مراجعه فرمایند.

1- حمید مولانا، سقوط و ظهور مدرن، انتشارات صبح، تهران، 1380.

2- حمید مولانا، ما را کجا می برند، انتشارات کیهان، تهران، 1380.

3- حمید مولانا، جامعه مدنی: نقد و تحلیل، انتشارات پژوهشکده فرهنگ اسلامی، تهران، 1382.

4- حمید مولانا، گذر از نوگرایی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1371.

5- حمید مولانا، ارتباطات و فرهنگ در قرن بیست و یکم"، فصلنامه پژوهشی، دانشگاه امام صادق (ع) شماره چهارم، تابستان 1376.

6- حمید مولانا، تبادل نابرابر در فرهنگ کنون جهانی، نامه فرهنگ، معاونت امور بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال اول، شماره دوم، زمستان 1369.

7- حمید مولانا، "مباحث فرهنگی جهانی شدن"، اندیشه صادق، نشریه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره 5، زمستان 1380.

8- حمید مولانا، جهان اسلام و رسانه های جهانی، (شماره ویژه گفتگو با پروفسور حمید مولانا)، کیهان فرهنگی، سال نوزدهم، شماره 189، تیر ماه 1381.

9- حمید مولانا، مقاله های چشم انداز در کیهان: "اقتصاد سیاسی جهانی سازی" 3 مرداد 1381 / "بحران اقتصادی و جهانی شدن رسانه ها"، 17 مرداد 1381 / "فرآیند جهانی شدن فرهنگ"، 10 مرداد 1381 / "جهانی شدن، چالش ها و پاسخ ها"، 24 مرداد 1381 / "تهاجم اقتصادی و حاکمیت ملی"، 13 تیر 1381 و "بسوی جهانشمولی اسلامی"، 10 بهمن 1381.

([1]). استاد ارشد روابط بين الملل و رئيس قسمت مطالعات عالي ارتباطات جهاني در دانشگاه امريكن واشنگتن.